**قرآن و عترت دو محور وحدت و حركت**

نويسنده:آيت الله جوادي آملي

خداي سبحان همه‌ي مؤمنان را به وحدت بر محور ريسمان الهي كه همان قرآن كريم و عترت طاهرين ـ عليهم السّلام ـ مي‌باشد دعوت مي‌نمايد: «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَ لا تَفَرَّقُوا وَ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْداءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْواناً وَ كُنْتُمْ عَلى شَفا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْها» [1] يعني همگي به ريسمان خدا چنگ زنيد و به راه‌هاي متفرّق نرويد و به ياد آريد اين نعمت بزرگ خدا را كه شما با هم دشمن بوديد و خدا در دلهاي شما الفت و مهرباني انداخت و به لطف خداوند برادر ديني يكديگر شديد و در پرتگاه آتش بوديد كه شما را نجات داد.
انسان موجودي تكامل‌طلب و متصاعد است و براي بالا رفتن و تعالي يافتن نياز به دستگيره و ريسمان الهي دارد كه همان قرآن و عترت است. قيد «جميعاً» در آيه نشان مي‌دهد كه چنگ زدن فردي به ريسمان محكم الهي كافي نيست بلكه بايد همگي با هم در خدمت قرآن و عترت باشند و بدان اتصال داشته باشند. بنابراين، در اين كريمه يك تكليف براي همة مؤمنان است كه اداي آن با چنگ زدن جمعي حاصل مي‌شود، نه اينكه هر شخصي دستور داشته باشد به تنهايي به ريسمان خدا تمسّك جويد.
وقتي انسان مي‌بيند كه بار امانت الهي را همه بايد بردارند، احساس سبكي و نشاط مي‌كند، وقتي به بيند كه تمسّك به ريسمان الهي همگاني است و مسئوليتهاي ديني تنها متوجّه او نيست، احساس تنهايي و افسردگي نمي‌كند و طبق اصل «فإنَّ يدالله مع الجماعة» [2] قدرت و توان چند برابري مي‌يابد؛ علاوه بر اين كه اساساً عمل به دين و اجراي احكام نوراني قرآن كريم بدون حضور همه جانبه‌ي افراد جامعه امكان پذير نيست.
اگر چه هر اجتماعي محوري دارد، ولي اگر اين محور، ريسمان الهي نباشد، آن جامعه در ضلالت است و ره به مطلوب و سعادت نخواهد يافت؛ از اين رو، هر اجتماع و اتّحادي مطلوب و پسنديده نيست، بلكه وحدت بر محور قرآن و عترت است كه انسان را از تاريكي‌هاي وابسته به غير خدا خارج مي‌سازد و به «الله» كه نور مطلق است مي‌رساند.
حضرت اميرالمؤمنين ـ سلام الله عليه ـ مي‌فرمايد: ما پيش از اسلام با هم بوديم، نظام اسلامي بين ما تفرقه افكند؛ زيرا آن اتحاد بر محور شرك و جاهليّت بود و اسلام طبق دستور « وَ امْتازُوا الْيَوْمَ أَيُّهَا الُْمجْرِمُونَ» [3] صف مسلمانان را از صف مشركان جدا ساخت و همه‌ي مسلمانان را با يكديگر متحّد ساخت. آن حضرت در خطبه‌ي «شقشقيه» خود را محور حكومت و سياست معرّفي مي‌نمايد. همان‌گونه كه سنگ آسياب برمحور خود مي‌چرخد و به آن محور نياز دارد. «أما والله لقد تقمّصها ابن أبي قحافة و إنه ليعلم أنّ محلّي منها محلّ القطب من الرحا» [4]
در اين صعود و پرواز جمعي، آنها كه قدرت پرواز دارند، بايد پر و بال خويش را براي بي‌پناهان و بي‌پر و بالها بگسترانند تا پس از پرورش، خود آنها نيز بتوانند به آسمان معرفت و معنويّت و قرب خداي سبحان پر كشند؛ چنانكه خداوند به رسول خود مي‌فرمايد: « وَ اخْفِضْ جَناحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» [5] تو كه قدرت پرواز داري و مي‌تواني تا حدّ «دَنا فَتَدَلَّى\* فَكانَ قابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنى» [6] اوج‌گيري، تنها به محضر ما نيا، بلكه بكوش تا مؤمنان را نيز با خود بياوري!
مانند كبوتري كه پرخود را پهن مي‌كند تا جوجه‌هايش را زير بال پرورش خود قرار دهد و زماني برسد كه آنها نيز توان پرواز داشته باشند و به آنها آيين پرواز مي‌آموزد، تو نيز براي فرزندان ايماني خود خفض جناح كن يعني بالهايت را پايين بياور و آنان را تحت پرورش آسماني خود قرار ده تا بتوانند به همراه تو به آشيانه‌ي قرب خدا پر بكشند.

**پی نوشت ها:**

1. سورة آل عمران، آية 103
2. نهج البلاغه، خطبة 127؛ دست خدا با جماعت است
3. سورة يس، آية 59؛ (و به آنها مي‌گويند: ) جدا شويد امروز اي گنهكاران!
4. نهج البلاغه، خطبة 3؛ به خدا سوگند و (ابوبكر) رداي خلافت را بر تن كرد در حالي كه خوب مي‌دانست من در گردش حكومت اسلامي همچون محور سنگ‌هاي آسيابم
5. سورة شعرا، آية 215
6. سورة نجم، آيات 8 و 9؛ نزديكتر و نزديكتر شد، تا آنكه فاصله‌ي او (با پيامبر) به اندازه‌ي فاصله‌ي دو كمان يا كمتر بود.

منبع: پایگاه راسخون